

خدمات متقابل اسلام و ایران

واژه های مهم

| | |
|---------------------------|----------------------------|
| پرتو: روشنایی، نور | متقابل: دو سویه |
| گرایش: میل، علاقه | متعلق: وابسته |
| لیاقت: شایستگی | مانع: بازدارنده |
| مقتدا: رهبر، پیشوا | تکلم: سخن گفتن |
| توسعه: پیشرفت | آیین: روش |
| مورخ: تاریخ نویس | سهم: قسمت |
| ادیب: شاعر، سخندان | ذوق: علاقه، استعداد |
| فیلسوف: دانشمند علم فلسفه | ارزنده: با ارزش |
| شایان: شایسته | ظهور: پیدایش |
| اقلیت: گروه کم | بلند آوازه: مشهور |
| مظاهر: جمع مظهر، نشانه ها | ملل: جمع ملت |
| جامه: لباس | أدبا: جمع ادیب، سخندان ها |
| | عُرفا: جمع عارف، خداشناسان |

🌟 سلمانٌ منّا اهل البیت: سلمان از ما اهل بیت است.

دانش زبانی: ضمیر

ضمیر کلمه ای است که به جای اسم در جمله می آید تا از تکرار آن جلوگیری کند. ضمیرها دو دسته هستند:

ضمیر جدا: ضمیری هستند که به تنهایی و به صورت مستقل و جدا به کار می روند و به هیچ کلمه ای نمی چسبند.

ضمایر جدا عبارتند از:

| | |
|------|------|
| مفرد | جمع |
| من | ما |
| تو | شما |
| او | آنها |

ضمیر پیوسته: ضمیری هستند که مستقل و جدا نیستند و به واژه های دیگر می چسبند.

ضمایر پیوسته عبارتند از:

| | |
|------|------|
| مفرد | جمع |
| مَ | مَان |
| تَ | تَان |
| شَ | شَان |

مثال:

- { من: ضمیر جدا / مَ: ضمیر پیوسته } من کتابم را خواندم.
- { تو: ضمیر جدا / تَ: ضمیر پیوسته } تو کتابت را خواندی.
- { او: ضمیر جدا / شَ: ضمیر پیوسته } او کتابش را خواند.
- { ما: ضمیر جدا / مَان: ضمیر پیوسته } ما کتابمان را خواندیم.
- { شما: ضمیر جدا / تَان: ضمیر پیوسته } شما کتابتان را خواندید.
- { آنها: ضمیر جدا / شَان: ضمیر پیوسته } آنها کتابشان را خواندند.

مرجع ضمیر

کلمه ای است که ضمیر به آن بر می‌گردد. مرجع ضمیر در واقع، صاحب ضمیر است.

مثال ۱:

زهره را دختر خوبی است. او بسیار منظم است.

« او: ضمیر جدا » « چه کسی بسیار منظم است؟: زهره. پس زهره، مرجع ضمیر است. »

مثال ۲:

معلم وارد کلاس شد و دفترش را روی میز گذاشت.

« ش: ضمیر پیوسته » « چه کسی دفترش را روی میز گذاشت؟: معلم. پس معلم، مرجع ضمیر است. »

مثال ۳:

طاووس، پرنده ی زیبایی است و پرهایش رنگارنگ است.

« ش: ضمیر پیوسته » « چه کسی پرهایش رنگارنگ است؟: طاووس. پس طاووس، مرجع ضمیر است. »